

دکتر فردوس آفاگل‌زاده (استاد زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)<sup>۱</sup>

دکتر آیلین فیروزیان پوراصفهان‌ی (دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسوؤل)<sup>۲</sup>

## بررسی بازنمایی ایدئولوژی در متون ترجمه‌شده سیاسی انگلیسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی: محورهای سبک و بلاغت

### چکیده

تبلور و انعکاس افکار، باورها و بطور کلی ایدئولوژی در صورت‌های زبانی یکی از کانون‌های اصلی مورد توجه در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی به ویژه در زبان‌شناسی، مطالعات ترجمه و علوم سیاسی در چند دهه اخیر می‌باشد. از آنجایی که متون سیاسی اعم از متون زبان مبدأ و بازتولید آن در زبان مقصد بر اساس متغیرهای فرازبانی شکل می‌گیرد، می‌توان ادعا نمود که هر یک از انتخاب‌ها، دستکاری‌های زبانی و راهبردهای بکارگرفته‌شده توسط مترجمان نشأت گرفته از ایدئولوژی نهفته ویژه‌ای می‌باشد تا از این رهگذر اذهان مخاطبان خود را جهت داده و به سوی پذیرش آنچه مد نظر دارند، هدایت کنند. پژوهش حاضر در صدد آن است تا با بهره گرفتن از دستاوردهای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی نظری وندایک (۲۰۰۴)، بکارگیری محورهای سبک و بلاغت توسط مترجمان فارسی و دلایل ایدئولوژیکی احتمالی گزینش آنها را در صورت وجود به چالش بکشد. بدین منظور ابتدا بکار بستن این دو محور در ترجمه فارسی متون سیاسی مکتوب انگلیسی محدود به مسائل مرتبط به ایران در دو سال اخیر بررسی شده و بر اساس آن چگونگی انعکاس ایدئولوژی مترجمان مورد واکاوی قرار گرفته است. سپس بسامد بهره گرفتن از این دو محور و راهبردها و استراتژی‌های معرفی‌شده مرتبط با هر یک احتساب و ارائه شده و مورد مقایسه قرار می‌گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که بکارگیری این دو محور غالباً با هدف بازنمایی و انعکاس ایدئولوژی مترجم فارسی همسو است. همچنین تفاوت چشمگیری میان میزان کاربرد این دو محور و راهبردهای آنها وجود داشته و علیرغم اینکه زبان فارسی از

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۳۰

پست الکترونیکی: 1. aghagolz@modares.ac.ir

2. a.firoozian@modares.ac.ir

منظر ادبی بسیار غنی است، مترجمان فارسی در ترجمه متون سیاسی از محور بلاغت و راهبردهای مربوط با آن در مقایسه با محور سبک به ندرت بهره جسته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه، تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، محورهای سبک و بلاغت، متون سیاسی.

#### ۱. مقدمه

انسان به مثابه موجودی اجتماعی، همواره برای القای احساسات و اندیشه‌های خود در قالب گفتمان و متون تلاش مستمر ورزیده است. هر متن و به ویژه متون سیاسی بر اساس نظامی از متغیرهای فرازبانی نظیر فرهنگ، تاریخ، روابط قدرت، سیاست، قوانین حاکم بر جامعه و محدودیت‌ها شکل می‌گیرد و توسط نویسنده سازماندهی می‌شود (وداک و میرا، ۲۰۰۱) و مترجم نیز، به عنوان بازآفریننده یک متن، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در این راستا، می‌توان اینگونه اظهار داشت که گزینش‌های زبانی نویسنده گفتمان مبدأ و مترجم آن در زبان مقصد، بازتاب این متغیرهای فرازبانی می‌باشد و لذا هیچ متنی خالی از بار ایدئولوژیکی نمود پیدا نکرده و در حقیقت این ایدئولوژی است که چگونگی استفاده از صورت‌های زبانی را رقم می‌زند (بسنٹ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲ و شفنز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). همچنین وجود این متغیرها و محدودیت‌ها ممکن است باعث ایجاد دستکاریهای مختلف زبانی توسط مترجم شود و وی به منظور خلق یک اثر از واژگان و ساختارهای خاصی بهره جوید تا بتواند پیام متن مبدأ را به نحوی که مد نظرش است، به خواننده در گفتمان مقصد انتقال دهد. لذا گزینش واژه‌ها و ساختارها در اثر هر مترجم می‌تواند از یک الگوی فکری و هدف ایدئولوژیکی پیروی نماید. در این راستا می‌توان چنین ادعا نمود که فرآیند ترجمه بازتولیدی وفادارانه نیست، بلکه انتخاب، تولید و گردآوری آگاهانه و سنجدیده‌ای است، و گاهی حتی مترجم با ایجاد تغییرات زبانی و بکارگیری راهبردهای آگاهانه از انتقال برخی از اطلاعات و مفاهیم پرهیز و یا واقعیت را دچار تحریف

1 Wodak & Meyer

2 Basnett

3 Schäffner

کرده تا پیام نویسنده مبدأ را برای انعکاس ایدئولوژی مد نظر خود و مدیریت اذهان خوانندگان به گونه‌ای دیگر به تصویر بکشد (تیموژگو و گینتزler<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ میسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

از آنجایی که از میان محورهای معرفی شده توسط ون‌دایک<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، دانش‌پژوهان و محققان ایرانی در مقایسه با سایر محورها، توجه بسیار اندکی به بررسی و مقایسه بکارگیری دو محور سبک<sup>۴</sup> و بلاغت<sup>۵</sup> و راهبردها و استراتژی‌های ایدئولوژیکی خاص هر یک در کنار هم در فرآیند ترجمه مبذول داشته‌اند، و همچنین به دلیل اینکه همواره رابطه تنگاتنگی میان زبان و فرهنگ وجود داشته است و زبان فارسی از دیرباز مملو و مجهز به واژه‌ها و آرایه‌های ادبی (راهبردهای مطرح شده این دو محور) بوده و نویسندگان متون مختلف و بالانخص متون ادبی امکان بهره گرفتن از این گنجینه‌ها را داشته‌اند، این پژوهش بر آن است که با استناد بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی نظری ون‌دایک (۲۰۰۴)، به بررسی و کنکاش این مهم پردازد که مترجمان فارسی در متون سیاسی چگونه و تا چه حد از این گنجینه‌ها در قالب راهبردها جهت القای ایدئولوژی مدنظر بهره جسته‌اند. به بیان دیگر، تحقیق حاضر در صدد آن است که به چگونگی واژه‌گزینی و بکارگیری ساختارهای بلاغی در متون سیاسی ترجمه شده مکتوب انگلیسی و دلایل ایدئولوژیکی آنها پردازد و دریابد که این دو محور تا چه اندازه در انعکاس ایدئولوژی مد نظر مترجمان فارسی تأثیرگذار بوده و مترجم فارسی تا چه میزان از این ابزار و امکانات بهره جسته است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان رویکردی نوین در تجزیه و تحلیل گفتمان‌ها، اعتقاد بر آن است که در ساخت و سطوح زیرین همه متون، شکلی از ایدئولوژی پنهان است که ساخت و معنی آنها را تعیین می‌کند (جانسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ ریچاردسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷؛ فرکلاف<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱ و

1 Tymoczko & Gentzler

2 Mason

3 Van Dijk

4 style

5 rhetoric

6 Johnstone

7 Richardson

8 Fairclough

۲۰۱۰؛ فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷؛ وندایک ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲؛ ون لیون ۱۹۹۳، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۸). در ایران نیز پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه این رویکرد صورت گرفته که به برخی از آنها از قبیل آقاگل‌زاده (۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱)، یارمحمدی (۱۳۸۳ و ۱۳۸۵)، سلطانی (۱۳۸۳ و ۱۳۸۷) می‌توان اشاره کرد. در این قسمت از پژوهش حاضر به منظور رعایت اختصار، در دو بخش تنها به مرور برخی تحقیقات داخلی که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی و متون سیاسی و همچنین تحلیل گفتمان انتقادی و ترجمه متون سیاسی صورت گرفته می‌پردازیم.

## ۲.۱. تحلیل گفتمان انتقادی و متون سیاسی

خسروی نیک و یارمحمدی (۱۳۷۹) با نگاهی انتقادی به ردیابی ایدئولوژی‌های سیاسی عمده ایران معاصر در روزنامه‌های کشور پرداخته‌اند. تحلیل مربوط به هر متن به طور جداگانه و بر اساس چهار سازه گفتمان‌مدار اصلی: ساخت‌های معلوم در برابر مجهول، ساخت‌های تعدی، فرآیند اسم‌سازی و نهایتاً انتخاب‌های واژگانی خاص انجام شده است. این محققان به این مهم دست یافته‌اند که صورت‌ها و سازه‌های زبانی می‌توانند نقش بسزایی در تولید و یا بازتولید ایدئولوژی‌ها در مواجهه با مسائل سیاسی داشته باشند. یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون لیون (۱۹۹۶) به تجزیه و تحلیل روزنامه‌های فارسی‌زبان، بریتانیایی و آمریکایی در باب منازعات اسرائیل و فلسطین پرداخته‌اند. این محققان اشاره می‌کنند که تحلیل گفتمان انتقادی به ساز و کارهایی عنایت دارد که به واسطه آنها ساختارهای گفتمان‌مدار در جهت مشروعیت‌بخشی، حفظ و یا به چالش کشیدن روابط قدرت و سلطه، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. در نهایت این نتیجه حاصل شده که بین ساخت ایدئولوژیک و ساخت گفتمان‌مدار، ارتباط دوسویه وجود دارد.

کوشا و شمس (۱۳۸۴) به تحلیل عناوین اصلی روزنامه‌های کشور در موضوع برنامه هسته‌ای ایران بر مبنای الگوی پیشنهادی وندایک (۱۹۹۸) پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که تصویر ارائه‌شده از وقایع جهان در رسانه‌های خبری، اغلب تصویری غیرواقعی و متأثر از ایدئولوژی است. آزاد (۱۳۸۷) در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به بازتاب ساخت-

های زبانی و غیر زبانی ایدئولوژیکی در خبر ۲۰:۳۰ پرداخته و از این رهگذر، این مطلب را مورد واکاوی قرار می‌دهد که تحلیل گفتمان انتقادی چه تبیینی از کاربرد ساخت‌های زبانی و غیر زبانی ارائه می‌دهد. یافته‌ها مؤید این مطلب بوده است که رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مفید و کارساز، تبیینی مناسب از نقش ساخت‌های زبانی و غیرزبانی ایدئولوژیکی در مدیریت استراتژیک بر اذهان مخاطبان ۲۰:۳۰ ارائه دهد.

شیروان (۱۳۸۸) نیز از دیگر محققانی است که با بهره گرفتن از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و مدل وندایک و فرکلاف به بررسی نحوه بازنمود استیضاح «مهاجرانی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سابق در روزنامه‌های دو گروه متقابل تلاش ورزیده و به این نتیجه رسیده است که گفتمان رسانه‌ای، گفتمان بی طرف نیست و رسانه‌ها بر اساس گرایش‌های ایدئولوژیک خود به توصیف رویدادها می‌پردازند. همتی (۲۰۱۲) به نحوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در سخنان «اوباما» بر مبنای مدل ونلیون (۱۹۹۶) پرداخته تا از این رهگذر نشان دهد که اوباما در سخنرانی‌هایش اعضای گروه خودی و نقاط قوت آنها را چگونه بیان می‌کند. بررسی داده‌ها گویای این مطلب است که رئیس جمهور آمریکا بر اساس دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های خود به بازنمایی مثبت از کنشگران اجتماعی "خودی" و "غیرخودی" پرداخته است. فراهانی (۲۰۱۱) به بازنمایی برنامه هسته‌ای ایران در دو روزنامه «لس آنجلس تایمز» و «تهران تایمز» با استفاده از مدل تحلیل گفتمان انتقادی وندایک (۲۰۰۰) پرداخته و دریافته است که این دو روزنامه، در راستای بازنمایی مثبت از خود و بازنمایی منفی دیگران، از راهبردهای گفتمانی اغراق، تکرار، ابهام و واژه‌سازی در گزارش‌های خبری خود استفاده کرده‌اند.

خیرآبادی (۱۳۹۰) در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نقش عوامل زبانی و غیرزبانی در شکل‌دهی به اخبار و از جمله خبرهای سیاسی پرداخته که ماحصل آن، ارائه انگاره‌ای زبان‌شناختی از فرایند نگارش و گزینش خبر است که ماهیتی پویا و چند سطحی داشته و به خبر به‌عنوان گفتمانی می‌نگرد که محصول تعامل عناصر و عوامل متعدد و ماهیتاً متفاوتی است. آقاگل‌زاده و خیرآبادی (۱۳۹۳) نیز در اثری به تفصیل به زبان‌شناسی خبر و توضیح این انگاره مبادرت ورزیده‌اند.

آفاگل‌زاده و دهقان (۱۳۹۲) در صدد تحلیل شیوه‌های بازنمایی خبر بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی تلاش ورزیده و به بررسی تأثیر عوامل غیرزبانی بر گزینش واژگان در رسانه‌های گروهی پرداخته‌اند. در واقع این محققان به دنبال پایه‌ریزی یک چارچوب تحلیلی برای پژوهش در نظم گفتمان رسانه‌ای معاصر می‌باشند. نهایتاً بررسی‌ها نشانگر این مهم بوده است که ایدئولوژی و جهان‌بینی افراد یا گروه‌ها در قالب ساختار زبان ایفای نقش می‌کنند و در این میان زبان نقش میانجی را دارد.

## ۲.۲. تحلیل گفتمان انتقادی و ترجمه متون سیاسی

عطاران (۱۳۸۶) از جمله محققانی می‌باشد که در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فعالیت کرده و به مطالعه ترجمه متون خبری در وبگاه تابناک با بهره‌گیری از مدل ارائه شده توسط وندایک (۱۹۹۸) پرداخته تا از این طریق بتواند به الگوهای ترجمانی-ایدئولوژیکی استفاده شده توسط این وبگاه دست یابد. یافته‌ها گویای این مطلب است که عقاید و ایدئولوژی در مطبوعات و ترجمه آنها نقش اساسی را ایفا می‌کند. خواجه و خان محمد (۲۰۰۹) به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال بوده‌اند که بازنمایی ساختارهای ایدئولوژیکی مخفی در کتاب سیاسی «کنترل رسانه‌ها» چامسکی به زبان انگلیسی و ترجمه‌های فارسی آن بر اساس چارچوب نظری وندایک (۱۹۹۹) به چه صورت بوده و به این نتیجه رسیده‌اند دیدگاه و موضع هر یک از مترجمان بر چگونگی ترجمه این اثر تأثیرگذار بوده است.

از دیگر محققانی که در زمینه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و ترجمه متون سیاسی به فعالیت پرداخته‌اند می‌توان از کشاورز و زنوزی (۲۰۱۱) نام برد که در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل تغییر ایدئولوژی‌ها در سه کتاب انگلیسی در ژانر سیاسی در مقایسه با ترجمه فارسی آنها بر اساس الگوی وندایک، فرکلاف و فرحزاد پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که استفاده از راهبردهای دستوری و واژگانی در ترجمه متون سیاسی مورد نظر، باعث ایجاد تفاوت‌های بارزی میان مقصود اصلی نویسنده و آنچه در متن ترجمه به چشم می‌خورد، شده است.

محمدپور (۱۳۹۱) با استفاده از راهکارهای ارائه شده در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی و با توجه به الگوی ونلیون (۲۰۰۸) به تجزیه و تحلیل متون مطبوعاتی ایران و انگلیسی با موضوع بازدید از تأسیسات هسته‌ای کشور ایران پرداخته و از روش کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نموده است. یافته‌های این تحقیق بر اساس دو تقابل نشانه‌ای/مادی و انتزاعی/عینی نشان می‌دهد که در روزنامه‌های ایران بیشتر از کنش نشانه‌ای و عینی استفاده شده، ولی در روزنامه‌های انگلیسی هم کنش نشانه‌ای/مادی و هم کنش عینی و انتزاعی کاربرد داشته است. خان‌جان و همکاران (۲۰۱۳) نیز بر اساس مربع ایدئولوژیک وندایک به مقایسه و تحلیل تیترهای خیر (سیاسی) پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که ترجمه عنوان‌های خبری بسته به میزان پذیرش ایدئولوژی نویسنده مبدأ، منجر به دستکاری‌های صورت‌های زبانی می‌شود. مهدیان و همکاران (۲۰۱۳) نیز به تحلیل مقابله‌ای سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی «جورج بوش» در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران و ترجمه فارسی آنها پرداخته که این مقایسه نشان داده است که ساختارهای معلوم و مجهول، اسم‌سازی، وجهیت باعث ایجاد تغییراتی بین مفهوم متون مبدأ<sup>۱</sup> و متون مقصد<sup>۲</sup> شده است.

اریس (۱۳۹۲) جهت مقایسه تغییرات ایجادشده میان اخبار سیاسی انگلیسی و ترجمه فارسی آنها از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و مدل سه‌وجهی فرحزاد و همچنین راهبردهای ترجمه‌ای مولینا و آلبیر<sup>۳</sup> استفاده کرده و دریافته است که مترجمان بر اساس ایدئولوژی مدنظر در حین ترجمه اخبار سیاسی، تغییراتی را در ترجمه‌ها اعمال می‌کنند. این محقق و هاشمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به منظور نقد و بررسی تأثیر ایدئولوژی در ترجمه‌های خبرگزاری‌های مختلف پرداخته و بدین منظور، اخبار سیاسی انگلیسی را با خبر مبدأ مطابقت داده‌اند و در نهایت دریافته‌اند که تغییرات بسیاری در ترجمه اخبار رخ داده است که بعضی آنها ناشی از تأثیر ایدئولوژی حاکم در کشور مقصد و برخی ناشی از تفاوت‌های زبانی میان زبان‌های فارسی و انگلیسی است.

---

1 source texts (ST)

2 target texts (TT)

3 Molina and Albir

از جمله پژوهشگران دیگر که در زمینه مقایسه ترجمه‌های متون سیاسی با نگاه تحلیل گفتمان انتقادی اهتمام ورزیده‌اند، می‌توان به آثار عطایی (۱۳۸۶)، کشاورز و علی مددی (۲۰۱۱/۱۳۹۰)، شجاعی و لاحقی (۲۰۱۲/۱۳۹۱)، اصلانی و سلمان‌ی (۲۰۱۴/۱۳۹۴) نیز اشاره کرد.

### ۳. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای دستاوردهای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی نظری وندایک (۲۰۰۴) می‌باشد. از میان شش محور کلی مطرح‌شده توسط وندایک (معنی، نحو، استدلال، سبک، بلاغت<sup>۲</sup> و کنش‌گفتار<sup>۳</sup>)، در این تحقیق تنها دو محور سبک و بلاغت (ساختارهای بلاغی) و راهبردهای ایدئولوژیکی معرفی شده مرتبط به هر یک در متون سیاسی ترجمه‌شده مکتوب انگلیسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. محور سبک دربرگیرنده تنها یک راهبرد (واژه‌گزینی<sup>۴</sup>) می‌باشد که محقق خود در تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های یافت‌شده آن را به لحاظ هدف و دلایل احتمالی مترجم از بکارگیری این راهبرد، به سه دسته ایدئولوژیکی، سبکی و همسو تقسیم‌بندی کرده است. محور بلاغت نیز که متشکل از هفت راهبرد (تشبیه، بازی با اعداد<sup>۵</sup>، کنایه<sup>۶</sup>، تکرار<sup>۷</sup>، اغراق<sup>۸</sup>، نمایشی شدن<sup>۹</sup> و استعاره<sup>۱۰</sup>) است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- 
- 1 Argumentation
  - 2 Rhetoric
  - 3 Speech act
  - 4 Lexicalization
  - 5 Number game
  - 6 Irony
  - 7 Repetition
  - 8 Hyperbole
  - 9 Dramatization
  - 10 Metaphor



#### ۴. روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش شامل ۳۰۰ بندنوشتهٔ مکتوب به زبان مبدأ انگلیسی است که مضامین آنها پیرامون موضوعات سیاسی در ارتباط با ایران در سطح بین‌المللی، ملی و یا منطقه‌ای می‌باشد که توسط مترجمان به زبان مقصد فارسی ترجمه شده‌اند. این پیکره از طیف گسترده‌ای از منابع معتبر متون مکتوب سیاسی نظیر روزنامه‌ها، سایت‌ها، پایان‌نامه‌ها، مجلات، قطع‌نامه‌ها و منابعی مانند این‌ها جمع‌آوری شده و به منبع خاصی محدود نشده است.

برای یافتن پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی ون‌دایک (۲۰۰۴) بهره گرفته شده است. در این راستا، به منظور استخراج راهبردهای بکارگرفته‌شده در محورهای سبک و ساختارهای بلاغی توسط مترجمان فارسی جهت القای ایدئولوژی و پیام مورد نظر، ابتدا ترجمه فارسی هر پاره‌گفتار به صورت جمله به جمله با متن سیاسی مکتوب مبدأ مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته‌اند. پس از مقابله و مقایسه متون زبان مبدأ و مقصد و یافتن راهبردهای سبکی و بلاغی بکار گرفته‌شده در پاره‌گفتارهای ترجمه‌شده فارسی، محقق در صدد تحلیل و یافتن دلیل بکارگیری و چگونگی ارتباط این راهبردها با بازنمود ایدئولوژی مد نظر مترجمان، در صورت وجود، بر آمده است. در قدم بعدی، این پژوهش به مقایسه و مطابقت میزان بکارگیری راهبردهای محور سبک و بلاغت در کنار هم پرداخته و در نهایت بسامد هر یک از آنها محاسبه شده است.

#### ۵. تحلیل و بررسی داده‌ها

به منظور دستیابی به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده در پژوهش حاضر، محقق پس از جمع‌آوری داده‌های زبان مبدأ (انگلیسی) و مطابقت آن با زبان مقصد (فارسی)، به بررسی این امر پرداخته که تا چه اندازه مترجمان فارسی زبان در بازآفرینی متون مکتوب سیاسی در زبان مقصد از استراتژی‌های مربوط به سبک و ساختارهای بلاغی جهت القای ایدئولوژی خود بهره برده‌اند. در ذیل نمونه‌های هر راهبرد و تحلیل ایدئولوژیکی آنها به همراه بسامد هر یک ارائه می‌شود:

## ۵. ۱. محور سبک

این محور که تنها شامل راهبرد «واژه‌گزینی» می‌باشد، از طریق جایگزینی واژه یا عبارتی در زبان مقصد به جای واژه و یا عبارت متن مبدأ بر روند معنایی جمله تأثیر می‌گذارد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که راهبرد واژه‌گزینی که تنها راهبرد مورد بحث در محور سبک (وندایک ۲۰۰۴) می‌باشد، به نحو قابل توجهی توسط مترجمان فارسی‌زبان مورد استفاده قرار گرفته شده است. آمار مورد نظر نشان می‌دهد که در ۵۰ مورد از ۳۰۰ بند نوشته‌شده منتخب از راهبرد واژه‌گزینی استفاده شده است، که این رقم میزان قابل توجهی می‌باشد. از سوی دیگر، بررسی دقیق‌تر واژه‌گزینی‌ها در این پژوهش گویای این مطلب می‌باشد که دلایل و هدف احتمالی تغییر واژه‌ها در تمامی موارد یکسان نمی‌باشد. لذا به منظور سهولت بررسی نمونه‌های بررسی‌شده، محقق این تغییرات را در سه گروه اصلی زیر دسته‌بندی و برجسب‌دهی کرده، و در ادامه جهت روشن‌سازی، برای هر یک توضیح به همراه مثال ارائه داده است:

الف: واژه‌گزینی ایدئولوژیکی

ب: واژه‌گزینی سبکی

ج: واژه‌گزینی همسو

○ واژه‌گزینی و تعمیم

○ واژه‌گزینی و به‌نمایی

○ واژه‌گزینی و اسم‌سازی

## ۵. ۱. ۱. واژه‌گزینی ایدئولوژیکی

واژه‌گزینی ایدئولوژیکی به مواردی از گزینش واژه‌ها اطلاق می‌گردد که طی آن مترجم در صدد انعکاس ایدئولوژی خود، اغلب تحت تأثیر بافت و نظام حاکم بر جامعه، و به منظور برجسته‌سازی<sup>۱</sup> کنش‌های مثبت گروه خودی<sup>۲</sup> / منفی گروه غیر خودی و کمرنگ‌سازی<sup>۳</sup> کنش-

1 foregrounding

2 Us

3 mitigating

های مثبت گروه غیرخودی<sup>۱</sup> / منفی گروه خودی دست به تغییر واژه می‌زند. این گزینش که همسو با نظریه مربع ایدئولوژیک وندایک (۲۰۰۴) نیز می‌باشد، نوعی دستکاری و تغییرات استراتژیک زبانی مترجمان را نشان می‌دهد. با بررسی داده‌های پژوهش، مترجم در ۳۰ مورد از این نوع واژه‌گزینی بهره‌جسته است. در مثال ذیل، چگونگی برجسته‌سازی منفی یک گروه غیرخودی (آمریکا) توسط مترجم و با بهره‌گیری از گزینش یک واژه نشان داده می‌شود:

*S.T. She also termed the instrumental use of issues like human rights and the fight against terrorism as a great challenge facing the international community.*

*T.T. افخم با اشاره به اینکه امروز استفاده ابزاری از مقوله‌های حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری و دیگر موضوعات مهم پیش روی جامعه جهانی خود به معضلی بزرگ تبدیل شده است.*

بررسی مقابله‌ای جمله زبان مبدأ انگلیسی و ترجمه آن در زبان مقصد فارسی نشان می‌دهد که مترجم با استفاده از راهبرد واژه‌گزینی، برابر "معضل" را برای ترجمه واژه "challenge" برگزیده است که این تغییر، بر بار معنایی منفی جمله افزوده است. اضافه کردن بار معنایی منفی برای نشان دادن تصویری منفی‌تر از آمریکا (موضوع اصلی کل خبر بر محور استفاده ابزاری آمریکا از حقوق بشر می‌باشد) تغییری است که توسط مترجمی فارسی‌زبان که در بافت و جامعه‌ای غالباً آمریکاستیز (ایران) به ترجمه پرداخته صورت گرفته و از این رو این تغییر یک تغییر ایدئولوژیک محسوب می‌گردد که طی آن مترجم سعی دارد کنش و عملکرد آمریکا بر اساس بهانه‌هایی نظیر حمایت از حقوق بشر را یک مشکل و "معضل" و نه یک "چالش" و مسأله " جلوه دهد. به بیان دیگر، واژه challenge در فرهنگ لغت لانگمن (۲۰۱۴) معانی متعددی نظیر "test ، problem و question" دارد، اما مترجم ترجیح داده است از معادل "problem" که دارای بار معنایی منفی بیشتری است و معادل آن "معضل" که آن هم در فارسی دارای بار منفی است، استفاده نماید. در نمونه ارائه‌شده زیر نیز مترجم از یک واژه-

1 Other

گزینی ایدئولوژیک بهره برده است تا برخلاف مثال قبل، تصویری مثبت از یک هم‌گروهی و عضوی از ما (حزب‌الله) ارائه دهد:

*S.T. Independent from that, Hezbollah is engaged in a resistance that we support.*

T.T. گذشته از این مسایل حزب الله مقاومتی را رهبری می‌کند که مورد حمایت ما قرار

دارد.

در جمله فوق مترجم با استفاده از راهبرد واژه‌گزینی، عبارت فعلی "engaged in" را که در فرهنگ لغت لانگمن (۲۰۱۴) به صورت "to employ someone to do something or to become involved in an activity" تعریف شده و در زبان فارسی بر اساس فرهنگ لغت هزاره (۲۰۰۱) "درگیر بودن" برابریابی شده به صورت فعل "رهبری می‌کند" ترجمه کرده است. این تغییر، فعلی را که به صورت ضمنی مفهوم "کنش‌پذیری و نوعی هدایت‌شوندگی" را در بر دارد، به فعلی تبدیل کرده است که "قدرت رهبری و استقلال" گروه دوست و خودی یعنی حزب الله را منعکس می‌نماید. این دستکاری در واژه می‌تواند در جهت برجسته‌سازی مسأله استقلال حزب‌الله انجام شده و نوعی تغییر ایدئولوژیک در جهت حمایت از ما یا گروه خودی باشد.

#### ۵. ۱. ۲. واژه‌گزینی همسو

واژه‌گزینی همسو هنگامی اتفاق می‌افتد که مترجم همزمان با بکارگیری یکی از راهبردهای معنایی، نحوی و مانند این‌ها، واژه جدیدی را برمی‌گزیند تا هدف خود را به طور گسترده‌تری دنبال نماید. می‌توان اظهار داشت که این نوع واژه‌گزینی اغلب یک واژه‌گزینی ایدئولوژیک نیز می‌باشد، چرا که اغلب این تغییرات در جهت پررنگ‌سازی و یا کمرنگ‌سازی کنش گروه خودی و یا غیرخودی اعمال می‌گردد. در بررسی داده‌های گردآوری‌شده، شواهدی در خصوص سه راهبرد همسو با واژه‌گزینی وجود دارد:

#### • واژه‌گزینی و تعمیم

مترجمان فارسی‌زبان به جهت دستکاری در معنا و عمومیت بخشیدن به یک رویداد از این راهبرد در شش مورد بهره گرفته‌اند تا به تعمیم یک موضوع، کنش و یا واکنش پردازند. به

واقع تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که وقتی مترجم در حین تعمیم به تغییر کلمه نیز دست می‌زند، می‌تواند به طور همزمان از اثرگذاری دو راهبرد به منظور القای هر چه بیشتر ایدئولوژی بهره جوید که این مطلب در نمونه زیر مشهود است:

*S.T. He says that his military leaders have the upper hand.*

T.T می‌گوید که نیروهای او دست بالا را دارند.

کلیت خبر در خصوص سوریه (گروه خودی) و این بخش از خبر به بازگویی گوینده از تلقی "بشار اسد (he)" نسبت به رهبران خود باز می‌گردد. مترجم در ترجمه جمله فوق با بکارگیری راهبردهای حذف (حذف leaders) و واژه‌گزینی عبارت اسمی "military leaders" به صورت اسم "نیروها"، تغییر و دامنه معنا را از "leaders" در متن زبان مبدأ به کل "نیروها" در متن زبان مقصد تعمیم داده است. این تغییر رساننده چنین معنایی است که نه تنها رهبران نظامی اسد (یک هم‌گروه با ایران)، بلکه نیروهای وی اعم از رهبران نظامی یا غیرنظامی با قدرت و اقتدارند.

#### • واژه‌گزینی و به‌نمایی

«به‌نمایی» یکی دیگر از راهبردهای معنایی است (وندایک، ۲۰۰۴) که اغلب توسط مترجمان بکار گرفته می‌شود تا از انعکاس یک واژه، عبارت و یا رویداد با بار منفی اجتناب نموده و با دستکاری و تغییر کلمه یا عبارت جنبه و مفهوم مثبت‌تری به آن ببخشند. از میان روش‌های مختلفی که در جهت به‌نمایی اعمال می‌گردد، پژوهش حاضر با یافتن ۵ نمونه، نشان می‌دهد که واژه‌گزینی نیز یک انتخاب مؤثر است. مثال ذیل گویای این مطلب است:

*S.T. Iran protests Turkish president's 'improper' remarks*

T.T. مرضیه افخم: مراتب اعتراض ایران نسبت به اظهارات اخیر اردوغان به کاردار ترکیه

در ایران اعلام شده است.

همانطور که بررسی خبر فوق و ترجمه آن نشان می‌دهد، آنچه که در این ترجمه جلب نظر می‌کند، استفاده مترجم فارسی‌زبان از راهبرد واژه‌گزینی در جهت به‌نمایی خبری است که محتاطانه ترجمه شده تا از یک هم‌گروهی (خودی با ایران) یعنی رئیس‌جمهور ترکیه چهره منفی برای مخاطب خود نسازد. این تغییر با گزینش واژه "اخیر" برای "improper" که در

فرهنگ لغت لانگمن (۲۰۱۴) مترادف با "dishonest, wrong or inappropriate" شرح داده شده است و در فرهنگ لغت هزاره (۲۰۰۱) به معنای "نامناسب" معادل‌یابی شده و دارای بار معنایی منفی است، صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است که نه تنها انتخاب واژه توسط نویسنده متن مبدأ، بلکه استفاده از علامت سجاوندی نقل قول (' ') توسط وی، اهمیت تأکید بر این واژه را نشان می‌دهد (آنچه که توسط مترجم با انتخاب یک کلمه کاملاً متفاوت به‌نمایی شده است).

#### • واژه‌گزینی و اسم‌سازی

اسم‌سازی یک راهبرد نحوی است (وندایک، ۲۰۰۴) که طی آن مترجم فعل ملموس را مبدل به اسمی انتزاعی می‌نماید تا از قدرت معنایی کلمه بکاهد. در انجام چنین تغییری مترجم گاه نه تنها فعل را به اسم مبدل می‌نماید، بلکه بجای آن کلمه‌ای جدید را جایگزین می‌کند. از چنین تغییری می‌توان "اسم‌سازی در عین واژه‌گزینی" نام برد که در پژوهش حاضر، از میان ۶ نمونه یافت شده، به آوردن یک مثال بسنده می‌شود:

*S.T. Highlighting Iran's regional role, the report pointed to Islamic Republic's "intentions to dampen sectarianism, build responsive partners, and deescalate tensions with Saudi Arabia."*

T.T. در گزارش سازمان اطلاعات ملی آمریکا در توصیف نقش ایران در منطقه اشاره شده

است که ایران تلاش کرده است تا فرقه‌گرایی و تنش‌های منطقه‌ای را کاهش دهد.

مترجم با گزینش واژه "توصیف" به عنوان برابر فعل "highlight"، نه تنها اسم‌سازی کرده، بلکه به تعدیل بار معنایی مثبتی پرداخته است که توسط واژه "highlight" به خوانندگان جبهه خودی در خصوص نگاه قدرشناسانه آنها یا گروه غیر خودی (آمریکا) از تلاش‌های ایران القا می‌شود و با بکارگیری فعل مورد بحث، مورد تأکید قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است که فعل "highlight" در فرهنگ لغت لانگمن (۲۰۱۴) به معنای "to make a subject or problem easy to notice" آورده شده است که در فرهنگ لغت هزاره (۲۰۰۱) به صورت "تأکید کردن یا برجسته کردن" معادل‌یابی شده است. پس بار دیگر مترجم خبر

سیاسی با استفاده از راهبرد سبکی واژه‌گزینی و راهبرد نحوی اسم‌سازی به طور همزمان سعی در کمرنگ کردن تلاش و کار خوب آمریکایی‌ها (آنها) در برابر جبهه خودی داشته است.

### ۵. ۱. ۳. واژه‌گزینی سبکی

واژه‌گزینی سبکی به واقع یک واژه‌گزینی تکنیکی محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، مترجم بنا به ذائقه و خلاقیت خود بجای یک کلمه از کلمه مشابه که دارای بار معنایی بسیار نزدیکی است، بهره می‌جوید تا سبک و روش خاص خود را در آن نوشته و یا ترجمه اعمال کند. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که تنها ۳ مورد از ۵۰ مورد یافت شده که راهبرد واژه‌گزینی را مورد استفاده قرار داده‌اند، به واژه‌گزینی سبکی تعلق دارند. مثال زیر نمونه‌ای از واژه‌گزینی سبکی محسوب می‌شود:

*S.T. Afkham underscored that the Iranian government abides by its domestic and international commitments and makes efforts to upgrade the rights of its citizens on the basis of the sublime Islamic values and regardless of the claims made in such reports.*

T.T. افخم خاطر نشان کرد: دولت ایران نسبت به مسوولیت‌های داخلی و بین‌المللی خود کاملاً متعهد میباشد و توجه به وضعیت حقوق بشر و پیشبرد برنامه‌های ارتقای حقوق شهروندان را فارغ از ادعاها و اتهامات درج‌شده در چنین گزارش‌هایی صرفاً بر اساس ارزش‌های متعالی اسلام، تعهد به همه ایرانیان و بر مبنای اجرای قانون اساسی کشور دنبال میکند و در اجرای این مسوولیت خطیر عزم راسخ دارد.

در ترجمه فعل اولین عبارت پاراگراف مورد نظر از راهبرد واژه‌گزینی سبکی استفاده شده است. این راهبرد سبب انتخاب برابر "متعهد می‌باشد" برای فعل "abide" است که در فرهنگ لغت هزاره (۲۰۰۱) "وفادار ماندن" معادل‌یابی شده است. ترجمه انگلیسی این واژه به صورت "To accept and obey a decision, rule or agreement" می‌باشد که به هر دو انتخاب نزدیک است و بار معنایی متفاوتی را منتقل نمی‌نماید.

## ۲.۵. محور بلاغت

ساختارهای بلاغی شامل راهبردهای تشبیه، بازی با اعداد، کنایه، تکرار، استعاره، اغراق، دراماتیزه کردن و استعاره می‌باشند (وندایک، ۲۰۰۴) و بکارگیری آنها سبب تغییر و عمق بخشیدن به معنا می‌شود. این راهبردها که ساختارها و یا آرایه‌های ادبی را به نوعی دربرمی‌گیرند، فرهنگ‌مدارند و با فرهنگ و زبان هر کشوری ارتباط تنگاتنگ دارند، و بنابراین استفاده از ساختارهای بلاغی در ترجمه متون سیاسی می‌تواند بهره‌گیری از ادب و فرهنگ یک کشور باشد. در بررسی داده‌های گردآوری شده در زمینه متون مکتوب سیاسی، ساختارها و راهبردهای محور بلاغت سهم کوچکی را به خود اختصاص داده‌اند. با این توضیح که از مجموعه ۳۰۰ پاراگراف خبری، تنها در ۷ مورد راهبردهای بلاغی بکارگرفته شده که این آمار در مقایسه با راهبرد واژه‌گزینی چندان قابل توجه نیست. در ادامه به شرح نمونه‌هایی از راهبردهای ایدئولوژیکی محور بلاغت، در صورت یافتن، پرداخته می‌شود:

## ۱.۲.۵. تشبیه

بکارگیری کلمات ویژه‌ای که طی آن یک رویداد با رویدادی دیگر با در نظر گرفتن وجه شباهت و اشتراکشان مورد مقایسه قرار می‌گیرند، تشبیه نامیده می‌شود. تشبیه یکی از راهبردهای محور بلاغت است که باعث تغییر در نحوه ارائه معنا می‌شود. در بررسی متون سیاسی تنها یک نمونه تشبیه وجود داشت که به ذکر آن پرداخته می‌شود:

*S.T. He is well-liked by his Western negotiating partners and a star in his home country, where his autobiography is a best-seller.*

T.T. ظریف، در میان طرفهای مذاکره‌کننده غربی، چهره‌ای محبوب است. او بسان ستاره‌ای در وطنش می‌درخشد و زندگینامه شخصی اش به یکی از کتابهای پرفروش در ایران تبدیل شده است.

همانطور که بررسی ترجمه بخشی از خبر فوق نشان می‌دهد، مترجم با استفاده از راهبرد بلاغی تشبیه و به منظور ارائه تصویری مثبت‌تر از ویژگی و شخصیت ظریف (گروه خودی)، جمله ساده زبان مبدأ (انگلیسی) یعنی "He is... a star in his home country" را تبدیل



به یک عبارت تشبیهی کرده است: "او بسان ستاره‌ای در وطنش می درخشد". این تغییر هم یک تغییر سبکی در جهت زیبانویسی است (هدفی که اساساً ساختارهای بلاغی نظیر تشبیه واستعاره در آراستن کلام دنبال می‌کنند) و هم یک تغییر ایدئولوژیک در جهت برجسته‌سازی شخصیت گروه خودی (ظریف) و نمایش محبوبیت عضوی هم‌گروه توسط مترجم به شمار می‌آید. در بکارگیری تشبیه، مترجم همواره از یک وجه شبه (درخشش) برای مقایسه موردی که قصد تشبیه آن را دارد (ظریف) و آنچه که با آن قیاس را انجام می‌دهد (ستاره) بهره می‌گیرد. در اعمال چنین تغییری مترجم می‌کوشد تا با استفاده از زیبایی کلام ادبی (تشبیه)، ذهن خواننده خود را درگیر تأثیر مثبتی نماید که از این طریق ممکن است به طور ناخودآگاه به وی منتقل می‌شود.

#### ۲.۲.۵. بازی با اعدادی

با بهره گرفتن از راهبرد بلاغی بازی با اعداد، مترجم می‌کوشد تا با ارائه متفاوت اعداد، مخاطب را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. در واقع مترجم قصد دارد که با تغییر و بازی با اعداد به نحوی خواننده را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد. در بررسی داده‌ها تنها یک مورد از راهبرد مورد نظر وجود داشت:

S.T. I had the same impression six months ago, but this time the president seemed even more resolute.

T.T. من یک سال پیش نیز همین برداشت را داشتم اما پرزیدنت اسد این بار حتی از قبل

هم مصمم‌تر نشان می‌داد.

خبر فوق برگرفته از مصاحبه میان خبرگزاری اشیپگل با صالحی می‌باشد که موضوع مورد بحث در خصوص تحولات سوریه و نقش حمایتی دولت ایران از رژیم بشار اسد در خصوص تأمین تجهیزات نظامی است. ترجمه جمله فوق شامل بکارگیری راهبرد بلاغی "بازی با اعداد" است. در واقع چنین تغییری در طولانی کردن زمان می‌تواند این معنا را در بر داشته باشد که از دیدار قبلی صالحی و اسد (گروه خودی) مدت مدیدی گذشته است و این گذر زمان احتمال ایجاد تغییر را در عملکرد اسد محتمل‌تر می‌نماید، حال آن که او آنقدر مصمم و مطمئن است که هنوز هم همان نظر را دارد. به عبارت دیگر، مترجم به منظور منطقی جلوه دادن تغییرات

دولت سوریه (یک هم‌گروهی) و پررنگ‌سازی این مطلب، به دستکاری بازه زمانی پرداخته است. لازم به ذکر است که این برجسته‌سازی از دو طریق صورت پذیرفته است: ابتدا از طریق جابجایی عبارت "یک سال" از انتهای بند مورد نظر به ابتدای جمله (بعد از فاعل) و سپس از طریق تغییر و دستکاری عدد مورد نظر (از ۶ ماه به ۱۲ ماه).

### ۵. ۲. ۳. کنایه

مترجم در بکارگیری راهبرد بلاغی کنایه از یک اصطلاح و یا عبارت خاص بهره می‌جوید تا دو معنای متفاوت را به خواننده خود عرضه کند: معنای ظاهری و معنای پنهان. به عبارت دیگر، استفاده از این راهبرد بلاغی سبب می‌شود تا خواننده ترغیب شود تا بجای «معنای ظاهری» به اصل معنای مورد نظر نگارنده/مترجم که «معنای پنهان» است، پی ببرد. در بررسی داده‌های گردآوری‌شده، در یک مورد مترجم از راهبرد بلاغی کنایه استفاده نموده است:

S.T. "Domestic policy is not for me," he says.

T.T. در واکنش می‌گوید: من برای سیاست داخلی ساخته نشده‌ام.

در ترجمه این جمله خبری که گوینده آن ظریف (من) می‌باشد و در پاسخ به سؤالی مبنی بر علاقه وزیر امور خارجه ایران (ظریف) در زمینه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده توسط وی گفته شده است، مترجم از راهبرد بلاغی کنایه بهره گرفته تا عبارت "Domestic policy is not for me" را بازتولید کرده و ترجمه نماید. به عبارت دیگر، مترجم بجای ترجمه کلمه به کلمه و تحت‌اللفظی عبارت مورد نظر (معنای ظاهری)، از راهبرد بلاغی کنایه که موجزتر اما دارای تأثیرگذاری بیشتر برای خواننده فارسی‌زبان است، استفاده کرده تا پیام خبر را همراه با یک شگرد ادبی منتقل نماید. در واقع، استفاده از راهبرد کنایه نوعی ایهام یا دوگانگی معنایی ایجاد کرده تا خواننده را در درک معنای آن تا حدودی دچار چالش نماید. لازم به توضیح است که عبارت "برای کاری ساخته شدن" در فارسی کنایه از "مناسب کاری بودن" دارد (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۳).

## ۵. ۲. ۴. تکرار

گاهاً مترجم به منظور تأکید بر آنچه که می‌خواهد ذهن خواننده خود را بدان معطوف دارد، دست به تکرار می‌زند تا در رساندن پیام مورد نظر پافشاری بنماید. دامنه بکارگیری این راهبرد بلاغی از تکرار یک واژه تا یک جمله کامل می‌تواند تغییر نماید. راهبرد بلاغی تکرار در میان داده‌های جمع‌آوری شده، ۵ بار مورد استفاده مترجم قرار گرفته بود. مثال ذیل تکرار یک واژه را توسط مترجم فارسی نشان می‌دهد:

*S.T. A senior Iranian nuclear negotiator has dismissed Western media allegations of a tentative deal on Iran's nuclear program, saying no agreement has yet been reached between Iran and the P5+1 global powers. "No agreement has been reached yet and some issues still remain to be resolved," the Iranian diplomat said on Sunday.*

T.T. یک مذاکره‌کننده ارشد تیم هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران درباره فضا سازی رسانه‌های غربی هشدار داد و گفت: «هیچگونه توافقی صورت نگرفته و موضوعاتی همچنان باقی مانده که باید حل و فصل شود».

*S. T. He called on other negotiating sides to "abandon their excessive demands and make their strategic decision on whether they want an agreement or pressure."*

T.T. وی افزود: «طرف‌های ذریبط بجای این فضا سازی‌ها باید دست از زیاده خواهی‌های خود بردارند و تصمیم راهبردی خود را اتخاذ کنند که توافق می‌خواهند یا فشار». بررسی دو پاراگراف خبری فوق -- در خصوص نتایج ارائه‌شده در زمینه تفاهم اولیه ایران و کشورهای جهان بر سر موضوع هسته‌ای نشان می‌دهد که مترجم ابتدا در بندت‌نوشته اول با استفاده از راهبرد واژه‌گزینی به انتخاب کلمه "فضا سازی" به عنوان برابر "allegation" که در انگلیسی مترادف با "claim" و در فارسی به صورت "اتهام و ادعا" معادل‌یابی شده پرداخته تا از واژه‌ای استفاده کرده باشد که تلویحاً همان معنا را در بردارد و همچنین یک انتخاب ایدئولوژیک نیز محسوب شود. به عبارت دیگر، با استفاده از کلمه "فضا سازی" مترجم چنین

پیامی را منتقل می‌نماید که رسانه‌های غربی همواره فضایی را که وجود ندارد به تصویر می‌کشند و جوسازی سیاسی می‌نمایند تا به مقاصد سیاسی خود برسند.

سپس با استفاده از راهبرد بلاغی تکرار، به تکرار همین عبارت در ترجمه بندنوشته دوم پرداخته است تا بتواند کاملاً ذهن مخاطب را به سوی هدفی که دارد و آن هدف آگاه نمودن وی از "ترفند فضا سازی‌های سیاسی غربی‌هاست" معطوف دارد و از این طریق توانسته با تکرار کار بد آنها یا گروه غیر خودی به پررنگ‌سازی جنبه منفی‌شان پردازد.

#### ۵.۲.۵. استعاره، دراماتیزه کردن و اغراق

در بررسی داده‌های پژوهش حاضر، هیچ شاهدهی در زمینه بکارگیری راهبردهای بلاغی استعاره، دراماتیزه کردن و اغراق توسط مترجمان فارسی‌زبان در متون سیاسی مکتوب ترجمه شده وجود نداشته است.

#### ۶. نتیجه‌گیری

نویسندگان و مترجمان متون سیاسی همواره به منظور انعکاس افکار، ایدئولوژی، باورهای سیاسی خود و نظام حاکم بر جامعه‌شان از راهبردهای ایدئولوژیک بهره می‌جویند تا به برجسته‌سازی و یا کم‌رنگ‌سازی رویدادها و کنش‌گران سیاسی پردازند (وندایک، ۲۰۰۴). پژوهش حاضر با گزینش دو محور از محورهای زبانی - سبک و ساختارهای بلاغی معرفی شده توسط وندایک در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی این موضوع پرداخت که مترجمان فارسی‌زبان تا چه اندازه از راهبردهای محورهای سبکی و بلاغی بهره می‌گیرند تا به ترسیم الگوی ایدئولوژیک فکری خود در بطن ترجمه متون سیاسی پردازند.

یافته‌های حاصل نشان می‌دهند که محور سبکی (راهبرد واژه‌گزینی)، غالباً به طور قابل توجهی مورد استفاده مترجمان فارسی‌زبان جهت القای ایدئولوژی مدنظر قرار گرفته است، اگر چه دلایل بکارگیری راهبرد واژه‌گزینی همواره از یک الگوی یکسان پیروی نکرده و گاه مربوط به باز نمودن ایدئولوژی مترجم فارسی نبوده است (در واژه‌گزینی سبکی، تنها جنبه زیباآفرینی مدنظر بوده است). بعلاوه، در مقایسه با محور سبک، محور بلاغت و راهبردهای آن

برخلاف فرهنگ ما که غنی و مملو از گنجینه‌ها و آرایه‌های ادبی است، کمتر مورد استفاده مترجمان فارسی متون سیاسی در راستای انعکاس ایدئولوژی‌شان قرار گرفته است و دلیل این مسأله می‌تواند ماهیت صریح و بی‌پرده متون سیاسی باشد که در تقابل می‌باشد با آنچه که زبان ادبی سعی در پوشیده‌ساختن رموز واژه‌ها دارد. با وجود این، نتایج حاصل از این پژوهش، متضمن این ویژگی است که مترجمان فارسی متون سیاسی، علاوه بر زبان و نشانه‌های زبانی می‌بایست نشانه‌های فرازبانی (از جمله قدرت و ایدئولوژی) کلمات و عبارات متن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند و سعی نمایند تا راز نهفته‌شان را بازنمایی و با زبانی صریح و حقیقت طلب در اختیار مخاطب خود قرار دهند. همچنین نتایج این تحقیق بار دیگر این حقیقت را که مترجمان خصوصاً مترجمان تازه‌کار باید نسبت به اخبار، اوضاع و بافت سیاسی و تفاوت فرهنگی زبان مبدأ و مقصد اشراف داشته باشند را صراحتاً مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد.

با توجه به محدودیت‌های تحقیق حاضر، چه از لحاظ جامعه آماری و چه از لحاظ موضوع (متون سیاسی مربوط روابط ایران و جهان) توصیه می‌گردد تا پژوهشگران به بررسی موضوع به طور گسترده‌تر بپردازند. از سوی دیگر، متون منتخب و منابع استفاده‌شده در این پژوهش، به دلیل ماهیتشان اغلب از الگوی زبان رسمی‌تر استفاده می‌کنند و بنابراین دارای ساختارهای بلاغی محدودتری هستند و این طور به نظر می‌رسد که سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها که گاه زبان غیررسمی‌تری دارند، می‌توانند شامل ساختارهای بلاغی و آرایه‌های ادبی گسترده‌تری باشد که این مسأله نیازمند پژوهش و بررسی است. سرانجام از آنجایی که الگوی پیشنهادی برای دسته-بندی محور سبک و دلایل ارائه‌شده برای انتخاب واژگان محدود به پژوهش حاضر می‌باشد. بنابراین بررسی امکان دلایل متفاوت در زمینه راهبرد واژه‌گزینی نیازمند انجام تحقیقات بیشتری است.

#### کتابنامه

آزاد، ا. (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل خبر ۲۰:۳۰ در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران.

- آقاگل زاده، ف. (۱۳۸۱). مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- آقاگل زاده، ف. (۱۳۸۳). روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی. ا. کاظمی (به کوشش). مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۲-۳۷.
- آقاگل زاده، ف. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقاگل زاده، ف. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان رادیو بر پایه نظریه‌ها و راهبردهای زبان‌شناسی. تهران: طرح آینده.
- آقاگل زاده، ف. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی در ایران. ف. آقاگل زاده (به کوشش). مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نویسه پارسی، ۱۱-۲۲.
- آقاگل زاده، ف. (۱۳۹۱). معادل‌یابی، اصطلاح‌شناسی و واژگان پایه در تحلیل گفتمان و کاربردشناسی زبان. ف. آقاگل زاده (به کوشش). مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نویسه پارسی، ۱۳-۳۰.
- آقاگل زاده، ف. و خیرآبادی، ر. (۱۳۹۳). زبان‌شناسی خبر: به سوی ارائه الگوی تولید خبر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: نشر علمی.
- آقاگل زاده، ف. و دهقان، م. (۱۳۹۲). تحلیل بازنمایی شیوه‌های بازنمایی گزینش خبر بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. جستارهای زبانی. ۵(۴). ۱-۱۶.
- اریس، آ. (۱۳۹۲). بررسی ترجمه اخبار سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس مدل سه وجهی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی، مشهد.
- اریس، آ. و هاشمی، م. ر. (۱۳۹۳). بررسی ترجمه اخبار سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. در ف. آقاگل زاده (به کوشش). مجموعه مقالات سومین همایش ملی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نویسه پارسی، ۶۵-۷۸.
- حق‌شناس، ع. م. (۲۰۰۱). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- خسروی نیک، م. و یارمحمدی، ل. (۱۳۷۹). ساختارهای گفتمانی و ایدئولوژیکی در گفتمان‌های خبری روزنامه‌های ایران. در ف. فرحزاد (به کوشش). مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبانشناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۶-۴۵.

- خیرآبادی، ر. (۱۳۹۰). انگاره زبان‌شناختی تولید و پردازش خبر: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۳). لغت‌نامه فارسی به فارسی دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطانی، ع. (۱۳۸۳). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات (رساله دکتری)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- سلطانی، ع. (۱۳۸۷). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشرنی.
- شیروان، ز. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان انتقادی پاره‌ای از متون مطبوعاتی سیاسی معاصر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- عطاران، ع. (۱۳۸۶). بررسی ترجمه متون خبری در وبگاه‌های ایرانی بر اساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی: مطالعه موردی وبگاه تابناک (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- عطایی، ر. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی وازگان دارای بار ایدئولوژیک در ترجمه رمان‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- کوشا، م. و شمس، م. (۱۳۸۴). مسأله هسته‌ای ایران در خبرهای بریتانیا: بررسی نقادانه. مجله زبان-شناسی کاربردی، ۱(۲)، ۱۰۷-۱۴۱.
- محمدپور، ف. (۱۳۹۱). بررسی تحلیل گفتمان انتقادی مطبوعات ایران و انگلیسی‌زبان با موضوع بازدید از تأسیسات هسته‌ای کشور ایران. در ع. کوپال، ش. مدرس خیابانی و ج. یعقوبی درایی (به کوشش). نخستین همایش ملی زبان و زبان‌شناسی. تهران: نویسه پارس، ۳۶۶-۳۵۵.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۸۵). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، ل. و سیف، ل. (۱۳۸۳). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی. در ف. فرحزاد (به کوشش). مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۴۳۴-۴۲۱.
- Aslani, M., & Salmani, B. (2015). "Ideology and translation: A critical discourse analysis approach towards the representation of political news in translation". *International Journal of Applied Linguistics & English Literature*, 4(3), 80- 88.
- Bassnett, S. (2002). *Translation studies*. London and New York: Routledge.
- Fairclough, N. (2001). *Language and power*. London: Longman.

- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. United Kingdom: Longman.
- Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). Critical discourse analysis. In T.A. Van Dijk (Ed.), *Discourse studies: A multidisciplinary introduction* (pp. 258-284). London: Sage.
- Farahani, E.D. (2011). *A critical discourse analysis of LA times and Tehran Times on the representation of Iran's nuclear program implications* (Master's thesis). University of Arak, Iran.
- Hemmati, A. (2012). *Comprehension of 'self' and 'the other' in Obama's speeches through the representation of social actor* (Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse analysis*. UK: Blackwell.
- Keshavarz, M. H., & Alimadadi, L. (2011). "Manipulation of ideology in translation of political texts: A critical discourse analysis perspective". *Journal of Language and Translation*, 2(1), 1-12.
- Keshavarz, M. H., & Zonoozi, L. (2011). "Manipulation of ideology in translation of political texts: A critical discourse analysis perspective". *Journal of Language and Translation*, 2(1), 1-12.
- Khajeh, Z., & Khanmohammad, H. (2012). "Transmission of ideology through translation: A critical discourse analysis of Chomsky's "Media Control" and its Persian translations". *Applied Language Research*, 1, 24-42.
- Khanjan, A., Amouzadeh, M., Eslami, A. & Tavangar, M. (2013). "Ideological aspects of translating news: Headlines from English to Persian". *Erudit*, 58(1), 87-102.
- Mahdiyan, M., Rahbar, M., & Hosseini Masoum, M. (2013). "Applying critical discourse analysis in translation of political speeches and interviews". *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(1), 35-47.
- Longman, P. (2014). *Longman of contemporary English*. England: Longman.
- Mason, I. (2010). Discourse, ideology and translation. In M. Baker (Ed.), *Critical readings in translation studies* (pp. 83-95). London and New York: Routledge.
- Richardson, J. (2007). *Analyzing newspaper: An approach from critical discourse analysis*. China: Macmillan.
- Schäffner, Ch. (2009). Political discourse and translation. In L. Wei & V. Cook (Eds.), *Contemporary applied linguistics* (pp. 142-164). London and New York: Continuum.
- Shojaei, A., & Laheghi, F. (2012). "A critical discourse analysis of political ideology and control factors in news translation". *Theory and practice in language studies*, 2(12), 2535-2540.
- Van Dijk, T. A. (2004). *Ideology and discourse: A multidisciplinary introduction*. Barcelona: Pompeu Fabra University.
- Van Dijk, T. A. (2006). *Discourse and manipulation*. London: Sage.



- Van Dijk, T.A. (2012). Ideology and discourse. In M. Freeden, L. Tower Sargent, & M. Stears (Eds.), *The Oxford handbook of political ideologies* (pp. 175-196). London: Oxford University Press.
- Van Leeuwen, T. (1993). Genre and field in critical discourse analysis: A synopsis analysis. *Discourse and Society*, 4(2), 193-223.
- Van Leeuwen, T. (1996). The representation of social actors. In G. R. Caldas Coulthard (Eds.), *Text and practice* (pp. 45-69). London: Routledge.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice*. London: Oxford University Press.
- Wodak, R., & Meyer, M. (2001). *Methods of critical discourse analysis*. London: Sage.